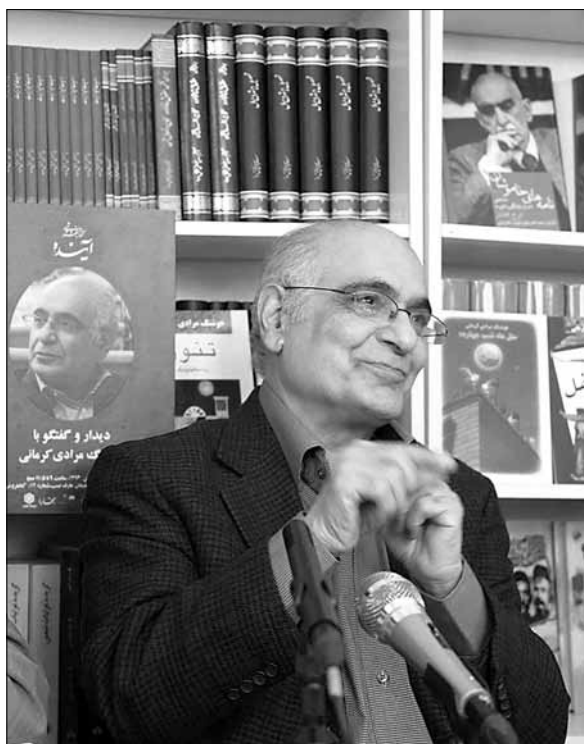


۱. ته خیار: طنزی شیرین درباره تلخی مرگ

«مرگ آگاهی» و «مرگ اندیشی» از ویژگی‌های انسان است. اگر این آگاهی با هراس همراه شود، به «مرگ‌گریزی» و «مرگ‌ستیزی» بدل خواهد شد. اما نه از مرگ گریزی هست و نه ستیز با آن ثمری دارد. آدمی می‌داند روزی با مرگ مواجه خواهد شد. یک عمر هم فرصت دارد خودش را برای این مواجهه آماده سازد. با این حال، معمولاً مرگ آدم را غافلگیر می‌کند. مگر آنکه انسان بکوشد به نوعی «مرگ آگاهی خردمندانه» برسد، تا حضور دائمی آن در کنار زندگی به حضوری سازنده و ثمربخش تبدیل شود.

استاد هوشنگ مرادی کرمانی در کتاب «ته خیار» برای رسیدن به این نگرش خردمندانه از ابزار طنز بهره برده است. این اثر مجموعه‌ای از سی داستان کوتاه است، که در هر یک نویسنده به وجهی از مفهوم مرگ می‌پردازد. داستان‌ها به اعتبار اینکه درباره زندگی روزمره و رخداد‌های واقعی هستند، مصداقی از ادبیات واقع‌گرا محسوب می‌شوند. اما به اعتبار اینکه نویسنده هر جا میسر بوده در اقلیم خیال قدم زده است، نمونه‌ای از ادبیات فانتزی به شمار می‌آید. ترکیب خلاقانه واقعیت و خیال که با طنزی ملایم و دلپذیر نیز همراه است، این مجموعه را به متنی خواندنی و آموزنده بدل ساخته است.

ایجاز عنصری دیگری است که بر ارزش این اثر می‌افزاید. نویسنده ارجمند کتاب در یکی از جلسه‌های کتابفروشی آینده می‌گفت: فاصله بین ذهن و کاغذ باید مثل یک خط راست باشد که کوتاهترین فاصله بین دو نقطه است. زیرا در این روزگار پرشتاب، خواننده فرصت چندانی برای مطالعه ندارد. باید بی‌مقدمه به اصل مطلب پردازیم. در نتیجه هر عنصر



• هوشنگ مرادی کرمانی (عکس از: مجتبی سالک)

و توصیف داستان باید کاربردی معین داشته باشد. مثلاً اگر جایی از قصه گفتیم فلانی قدش بلند بود، باید این بلندی قد در جای دیگری به کار آید. مثلاً با آن قد بلند میخی به دیوار بکوبد. جز این باشد گرفتار اطناب خواهیم شد. ادبیاتی که بر اصل ایجاز استوار است باید بجای توصیف مفصل، پیامش را با سرعت و سهولت به خواننده برساند. پیام مکتوبی که به مدد هنر ایجاز نویسنده، به تابلویی تماشایی تبدیل می‌شود. این شفافیت به داستان وجهی سینمایی می‌بخشد. روزگاری سینما از ادبیات آموخت، اکنون زمان آن رسیده که ادبیات از سینما بیاموزد و موجز و موثر سخن بگوید.

ایشان در کتاب «ته‌خیار» نمونه‌ای کارآمد از این شیوه را به نمایش گذاشته‌اند. به این ترتیب، سی داستان در ۲۲۰ صفحه سرشار از تصویرهایی تماشایی از همزیستی مرگ و زندگی در بافتهای مختلف اجتماعی است. همزیستی ناگزیری که اگر دقیق‌تر به آن بنگریم، خواهیم دید که زندگی بخشی از معنا و زیبایی خود را از حضور مرگ می‌گیرد. مرگی که خود بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگیست. معرفی مفصلتری از این اثر را در یادداشت دیگری نوشته‌ام^(۱) که اگر علاقه‌مند باشید می‌توانید به آن مراجعه فرمایید.

(۱) منصوریان، یزدان (۱۳۹۴) خیالی بافته از تار و پود زندگی: مروری بر کتاب «ته‌خیار». جهان کتاب. سال ۲۰، ش. ۱ و ۲، ص. ۳۶-۳۷.

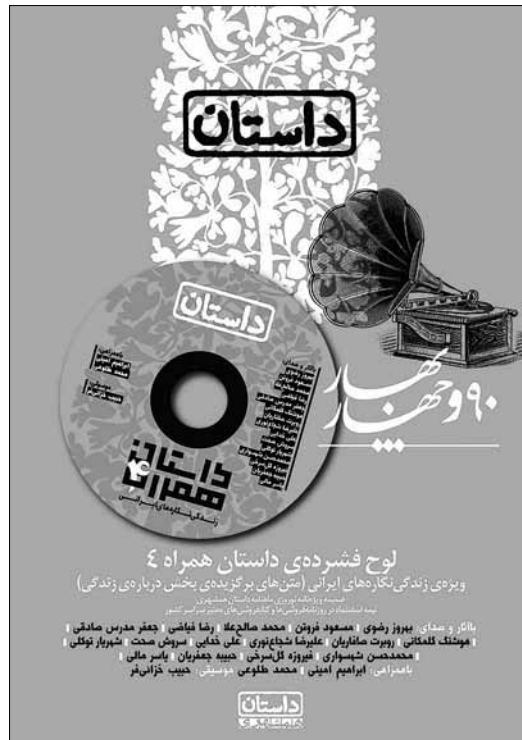


• دکتر یزدان منصوریان

۲. انتخابی میان «جرئت قضاوت» و «لذت سرکشی»

«کتاب‌ها جرئت قضاوت را از تو می‌گیرند، ولی لذت سرکشی را به تو می‌بخشند. نمی‌دانم کدامش درست‌تر است، ولی می‌دانم کدامش سخت‌تر است». این آخرین جمله‌هایی است که خانم حبیبه جعفریان در داستانی با عنوان «بهشت ممنوعه» می‌نویسد. من این داستان را زمانی که منتشر شده بود، نخواندم. اما مدتی بعد آن را با صدای نویسنده در «داستان همراه چهار» — که از آثار صوتی مجله «داستان» همشهری است — شنیدم و از آن نکته‌ها آموختم. در این داستان، نویسنده بدون ستایش کتاب‌ها یا مذمت آنها، از ارتباط با کتاب سخن می‌گوید و به ترسیم تصویری از تأثیر خواندن بر زندگی آدمها می‌پردازد.

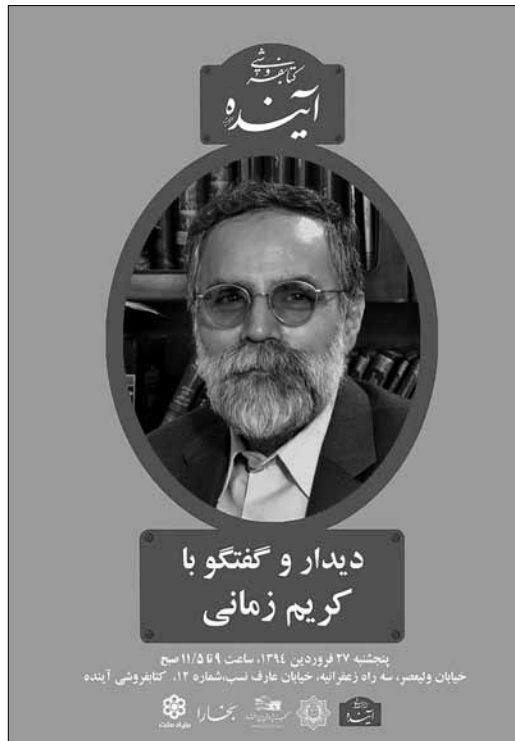
ایشان بر این باور است که «کتابخوانی» دچار نوعی تضادمندی (پارادوکس) درونی و ذاتی است. به این معنا که هم برای ما ضروری و مفید است و هم می‌تواند مخرب و ویرانگر باشد. در نتیجه نه می‌توان همیشه به دیگران توصیه کرد کتاب بخوانند و نه می‌توان آنان را از این کار منع کرد. نه می‌توان کتاب‌ها را به خاطر آنچه به خواننده می‌بخشند، ستود و نه می‌توان به دلیل آنچه از او می‌گیرند، سرزنش کرد. زیرا گرچه زندگی در کنار کتابها زیباست و بدون کتاب روزگارمان بی‌رنگ و بی‌روح است، اما زیستن با کتابها هزینه و حتی تلاوان خود را دارد. تلاوانی که گاه می‌تواند سخت و گران باشد. زیرا مطالعه باورهایمان را دگرگون می‌کند و چگونگی داوری ما را تغییر می‌دهد. کتاب‌ها باعث می‌شوند در امور بدیهی و مسلمی که دیگران در درستی آن هیچ شکی ندارند، تردید کنیم. تردیدی که هم می‌تواند مفید



باشد و هم نقشی نابودگر ایفا کند. یا دست کم باعث انزوا و انفعال آدمی شود و او را به فردی متفاوت با جامعه تبدیل کند. فردی که از اصول نانوشته قطعی پیروی نمی‌کند.

به این ترتیب، مطالعه هم فرصتی برای تجربه‌ای تازه است و هم می‌تواند خواننده را به شخصیتی بسیار متفاوت با دیگران بدل سازد. انسانی که در جامعه احساس تنهایی می‌کند. زیرا دنیا را به گونه‌ای متفاوت با آنچه معمول و متعارف است، می‌بیند. در نتیجه راوی داستان پس از سال‌ها زیستن با کتاب‌ها سرانجام نمی‌داند که آن‌ها دوستند یا دشمنند. نمی‌تواند با اطمینان بگوید عاشق کتاب‌هاست یا از آنها متنفر است. زیرا همزمان نوعی عشق و نفرت را به این دنیای کاغذی احساس می‌کند: «هیچ وقت نخواهم فهمید کتاب‌ها محبوب‌های من بودند یا دشمنانم؟ هیچ وقت نخواهم فهمید. هیچ وقت از فکرشان رها نخواهم شد و هیچ وقت نخواهمشان بخشید. هیچ وقت آن‌ها را به کسی توصیه نخواهم کرد و هیچ وقت آن‌ها را از کسی دور و از جایی گم و گور نخواهم کرد. هیچ وقت نخواهم فهمید یک جنگل سبز سرپا، درست‌تر است یا یک جنگل قهوه‌ای کاهی، خوابیده در قفسه‌هایی که همزمان ترسناک و شوق برانگیزند. هیچ وقت نخواهم فهمید».

هر چند داستان با این تردید به پایان می‌رسد، اما آشکار است که راوی از انتخاب زیستن با کتاب‌ها پشیمان نیست. ضمن آنکه «لذت سرکشی» را به «جرئت قضاوت» ترجیح



می‌دهد. به نظرم خواندن اساساً «رخدادی» است که برای هر یک از ما به شکلی متفاوت رخ می‌دهد.^(۱) اما در نهایت کسی که لذت مطالعه را چشیده و پاداش خواندن را تجربه کرده، نیازی به انگیزه دیگری برای ادامه زندگی در کنار کتاب‌ها ندارد و زیستن بدون کتاب اگر برایش غیرممکن نباشد، بسیار سخت خواهد بود.

۳. از رازهای ماندگاری اندیشهٔ مولانا

تعداد دفعات امانت یک کتاب از مخزن کتابخانه، شاخصی برای سنجش محبوبیت آن در جمع مخاطبان است. در سه سال گذشته، «شرح جامع مثنوی معنوی» سومین کتاب پراستفاده در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ما بوده است. این را نرم‌افزار کتابخانه می‌گوید. بنابراین، روزی که شنیدم قرار است نشستی با حضور مولف آن — استاد کریم زمانی — برگزار شود، مشتاق شدم ایشان را ببینم. این جلسه در صبح بهاری و خنک پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۴ در کتابفروشی آینده برگزار شد. به دلیل آنکه باید صبح همان روز در جلسهٔ دیگری شرکت می‌کردم، فقط توانستم یک ساعت حضور داشته باشم و پیش از پایان نشست، آنجا را ترک کنم. در این یک ساعت چند نکتهٔ

(۱) منصوریان، یزدان (۱۳۹۲). رخدادی به نام خواندن. جهان کتاب، سال هجدهم - شماره ۲۹۲ و ۲۹۳، ص. ۴-۶.

کلیدی از راز ماندگاری و اثربخشی اندیشه مولانا آموختم، که هر یک می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد. البته بدیهی است مولوی پژوهان به این مفاهیم پرداخته‌اند و خواهند پرداخت. نخست آنکه دلیل جاذبه اندیشه مولانا را برای انسان معاصر بهتر فهمیدم. استاد زمانی در این زمینه بر این باورند جاذبه مولوی برای انسان معاصر به دلیل تاکید او بر «وحدت» است و این وحدت همچنان نقطه اتصال ملل است: «سوی مشرق نرویم و سوی مغرب نرویم / تا ابد گام‌زنان جانب خورشید ازل». مولانا از ارزش‌های انسانی سخن می‌گوید. ارزش‌هایی که فرازمان و فرامکان هستند. به یک قوم و گروه یا یک زمان و مکان خاص محدود نمی‌شوند. علاوه بر این، ایشان بین «عمر آفاقی» و «عمر انفسی» تفاوت قائل شدند و تاکید کردند که بزرگانی همچون مولوی در «حیات انفسی» خود همچنان منشاء اثرند: «این‌ها فقط عمر آفاقی نداشته‌اند. عمر واقعی‌شان عمر انفسی بوده است. عمر آفاقی همین عمر شناسنامه‌ای و عادی است. عمر این‌ها انفسی بوده است. می‌توان این‌گونه گفت که واحد و برهه زمانی در عمر انفسی با عمر آفاقی تفاوت دارد». در نتیجه پس از چند قرن کلام او همچنان در جهان شنونده و طرفدار دارد. دومین ویژگی اندیشه مولانا «نگاه تضادمند»^(۱) او به مفاهیم مختلف است. نگاه او یک بعدی و یک‌سو نگر نیست. با اندیشه‌ای متعالی توانسته وجوه مختلف پدیده‌ها را ببیند. سومین رمز اثربخشی اندیشه مولانا این است که اشعار او آیینه وجود خودش بوده است. تضادی بین گفتار و رفتار او وجود نداشته است. در نتیجه کلام او در ذهن و ضمیر مخاطبان ماندگار است.

ضمناً سایت استاد زمانی با عنوان «نای و نفیر»^(۲) حاوی اطلاعات سودمندی درباره آثارشان است. در آنجا نیز هشت دلیل برای راز جاودانگی مولانا ذکر شده که بخشی از آن را با کمی تلخیص بازنویسی می‌کنم و شما می‌توانید جزئیات بیشتر را در سایت بخوانید: «سخنان مولانا گرم، ایمان‌آور و تسکین‌بخش است. کلامش جمع میان تحقیق و القای احساس و عاطفه است. در بیان معارف، همواره روی خط مشترک ادیان حرکت کرده و به دام اختلافات فرقه‌ای نیافتاده است. عشق و دوستی را اساس مکتب خود قرار داده و از تعصب پرهیز کرده است. مباحث عرفانی را با بیانی ساده و به کمک حکایت و تمثیل بیان کرده است. از بیان عقاید مخالفان پروا نداشته است. سرانجام همان‌گونه شعر گفته است که زیسته است و شعرش را برای بیان درد مشترک آدمی به کار گرفته و به مدح قدرت نپرداخته است».

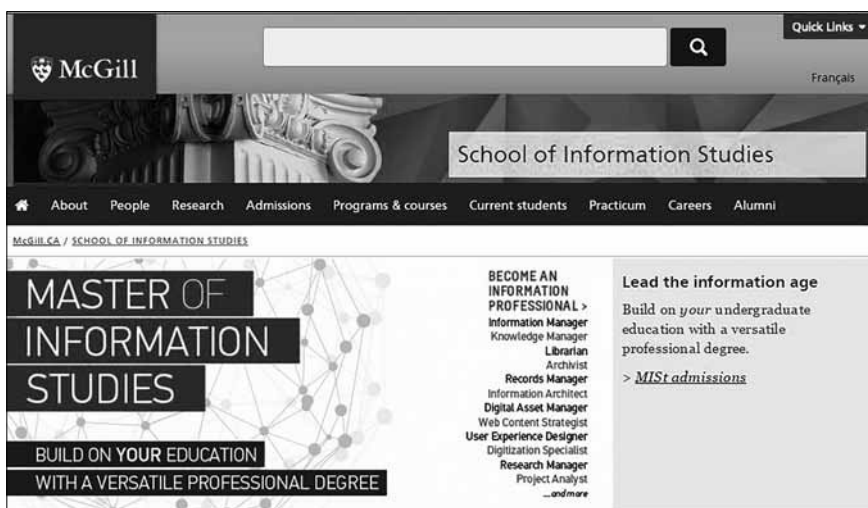
۴. مطالعه رفتار اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی کودکان

پس از نشست کتابفروشی آینده، راهی جلسه دیگری شدم که در دفتر خبرگزاری «کتابداری و اطلاع رسانی ایران (لیزنا)»^(۳) با حضور دکتر جمشید بهشتی برگزار می‌شد.

1) Paradoxical View

2) <http://nayonafir.com/>

3) <http://www.lisna.ir/>



• پایگاه اینترنتی دانشگاه مک‌گیل

ایشان سال‌هاست که عضو هیئت علمی «دانشکده مطالعات اطلاعات»^(۱) دانشگاه مک‌گیل کانادا است. دانشکده‌هایی که امروزه در دنیا با عنوان «مطالعات اطلاعات»، «علم اطلاعات» یا عناوین مشابه وجود دارند، تا همین چند سال پیش با عنوان «کتابداری»^(۲) یا «کتابداری و اطلاع‌رسانی»^(۳) شناخته می‌شدند. اما برای همراهی با تحولات حوزه تولید، سازماندهی و نشر دانش ترجیح داده‌اند نام و محتوای دروس خود را تغییر دهند. در ایران نیز شاهد همین تحول بوده‌ایم. حدود سه سال است که عنوان این رشته به «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» تغییر یافته است، تا نمادی از تحول در قلمرو فعالیت آن باشد.

دانشگاه مک‌گیل از جمله مراکز موفق کتابداری و حوزه‌های مرتبط به آن در آمریکای شمالی است. تنوع موضوعی تحقیقات آنجا بسیار گسترده است. تخصص دکتر بهشتی «تعامل انسان و رایانه»^(۴) و «رفتار اطلاع‌جویی کودکان»^(۵) است. این دو موضوع از مباحث نوین و بین‌رشته‌ای محسوب می‌شود. تعامل انسان و رایانه به بررسی نوع استفاده از منابع رایانه‌ای می‌پردازد. بخشی از این حوزه ماهیت فنی دارد و بخشی به نیازهای کاربران مربوط است. تاکنون برای گروه‌های مختلف کاربران — از جمله کودکان و نوجوانان — تحقیقات مستقلی انجام شده است. زیرا امروزه یکی از مشتریان اصلی ابزارهای رایانه‌ای کودکان هستند. دکتر بهشتی نیز بیست سال است که درباره «رفتارهای اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی»^(۶)

1) McGill School of Information Studies (<https://www.mcgill.ca/sis/>)

2) Librarianship

3) Library and Information Science

4) Human-Computer Interaction

5) Children's Information Behavior

6) Information Seeking Behavior

کودکان تحقیق می‌کنند. محققان این حوزه می‌کوشند چگونگی مواجههٔ کودکان با منابع مختلف اطلاعاتی را دریابند. آنان می‌خواهند بفهمند بچه‌ها چگونه در اینترنت به جستجوی اطلاعات می‌پردازند و چگونه در محیط مجازی می‌آموزند. در نتیجه این محققان ناگزیرند از علوم دیگر همچون روانشناسی و مهندسی رایانه کمک بگیرند.

مطالعات دکتر بهشتی نشان می‌دهد اغلب سایت‌هایی که برای کودکان طراحی شده‌اند با اصول طراحی مناسب سن آنان کمترین تناسب را دارند. زیرا طراحان سایت‌ها به نیازها و ویژگی‌های کودکان بی‌اعتنا هستند. از سوی دیگر هرچند کودکان این روزگار زمان زیادی را برای استفاده از ابزارهای رایانه‌ای صرف می‌کنند، اما اغلب دانشی سطحی در این زمینه دارند. نمی‌توانند منابع را بر اساس میزان اعتبار ارزیابی کنند. نمی‌توانند به درستی به منابع استناد کنند و هر چه در اینترنت می‌بینند باور می‌کنند و بی‌توجه به منبع و مآخذ منابع اطلاعات دریافتی را مبنایی برای تصمیم‌گیری قرار می‌دهند. در نتیجه والدین باید نگران استفادهٔ مفرط و همیشگی کودکان از منابع الکترونیکی باشند و از خطراتی که در این زمینه هست آگاهی یابند.

گزارش کامل این دیدار در پایگاه خبری لیزنا منتشر شده است.

۵. مروری بر مفهوم کودکی و ترویج خواندن

در آخرین روز فروردین پارسال مهمان کتابخانهٔ مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بودم تا در پنلی دربارهٔ «مفهوم کودکی و ترویج خواندن» صحبت کنم. این کتابخانه در آخرین دوشنبه هر ماه نشستی در زمینه ترویج خواندن و مباحث مرتبط با ادبیات کودک برگزار می‌کند. برگزاری چنین جلسه‌هایی از خدمات جانبی کتابخانه‌ها محسوب می‌شود و بر رونق این نهاد فرهنگی می‌افزاید. در آموزش‌های کتابداری همواره بر این نکته تاکید می‌شود که کتابخانه فقط جایی برای امانت گرفتن کتاب و مطالعه در قرائت‌خانه نیست. بلکه کتابخانه نهادی اجتماعی است که باید زندگی در آن جریان داشته باشد. برگزاری نشستهای نقد و بررسی کتاب، دعوت از نویسندگان، و تشکیل گروه‌های کتابخوانی در این زمینه مفیدند.

آن روز نیز صحبت از مفهوم کودکی و ترویج خواندن بود. دربارهٔ ایجاد اشتیاق به خواندن در کودکان بسیار گفته‌اند و شنیده‌ایم. اما این پرسش مطرح است که چرا به رغم وجود این همه نظریه و توصیه، هنوز توفیق چندانی در این زمینه به دست نیآورده‌ایم. بویژه که با فراگیر شدن ابزارهای تکنولوژیک هر روز فاصلهٔ کودکان با کتاب بیشتر می‌شود. به نظرم تلاش برای تحقق «مطالعهٔ مفرح» نخستین گام در زمینهٔ ترویج خواندن است. کودکان باید از خواندن لذت ببرند تا به آن علاقه‌مند شوند. مطالعه باید فرایندی شاد و همراه با نشاط و سرگرمی باشد. ترویج مطالعه تا زمانی که در قالب تکلیفی دشوار عرضه شود، ناکارآمد است. تکنیک‌های مختلفی برای ترغیب کودکان به مطالعه وجود دارد. مثلاً می‌توانیم دربارهٔ



قصه‌هایی که بچه‌ها دوست دارند داستان‌سرایی کنیم، تا فرصتی برای پرورش تخیل و قدرت خیال‌پردازی آنان فراهم شود.

در مجموع به نظرم کلید ترویج خواندن، در برقراری ارتباط سازنده و موثر با بچه‌هاست. ما باید کودکان را بشناسیم و با آن‌ها ارتباط فکری برقرار کنیم. باید آنان را باور کنیم و بتوانیم دنیا را از نگاه آنان ببینیم. بچه‌ها نیز باید لذت خواندن را درک کنند، تا به آن علاقه‌مند شوند. انگیزه‌های خواندن نیز پیچیده است. با پند و اندرز نمی‌توان مروج خوبی برای خواندن بود. باید زمینه را برای مطالعه فراهم کنیم. کتابخانه و نظام آموزشی، می‌تواند با کمک یکدیگر محیطی برای ترویج مطالعه باشند. آموزش و یادگیری مبتنی بر پرسش کودکان را به کتابخانه ارجاع می‌دهد تا پاسخ پرسش‌ها را خودشان بیابند. نه اینکه کتاب درسی تمام پاسخ‌ها را ارائه کند. تا زمانی که کتاب درسی به عنوان مهمترین منبع کسب نمره و قبولی در نظام آموزشی عمل کند، نمی‌توان به ترویج مطالعه چندان امیدوار بود. زیرا دانش‌آموزان تمام نیاز آموزشی خود را در کتاب درسی می‌یابند و با مطالعه آن به مقطع بالاتر خواهند رفت. بنابراین، از هر منبع دیگری بی‌نیازند.

اما اگر می‌خواهیم مطالعه گسترش یابد، کتاب درسی باید منبعی برای طرح پرسش باشد و دانش‌آموزان پاسخ‌ها را با جستجو در منابع کتابخانه‌ای بیابند. ضمن آنکه فراموش نکنیم که کیفیت مطالعه مهم است نه کمیت آن. کارآیی مطالعه با تعداد صفحات و کتاب‌های که



خواننده می‌شود قابل اندازه‌گیری نیست. بیشتر خواندن همیشه به معنای بهتر فهمیدن نیست. ترویج خواندن زمانی برای کودکان مفید و موثر خواهد بود که مطالعه‌ای را همچون فرایندی مفرح و دلپذیر تجربه کنند و از انس با کتاب لذت ببرند.

۶. مخاطبان بزرگسال ادبیات کودک

بیست و پنجم اردیبهشت (پانزدهم ماه می) روز جهانی خانواده است. «موسسه مادران امروز»^(۱) از جمله نهادهایی است که به دلیل فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با خانواده، هر ساله این روز را گرامی می‌دارد. این موسسه از سازمان‌های مردم‌نهادی است که از سال ۱۳۷۷ در زمینه امور فرهنگی خانواده‌ها و با هدف ترویج صلح و مدارا، ترویج بازی‌های مناسب برای کودکان، توجه به محیط زیست، ترویج کتاب و کتابخوانی، ترویج بهداشت و سلامتی و ترویج هنرهای زیبا فعالیت می‌کند. از جمله برنامه‌های سال گذشته مادران امروز میزگردی با موضوع «نیازهای خانواده در ابعاد گوناگون» بود که ۲۹ اردیبهشت برگزار شد.

سرکار خانم نوش‌آفرین انصاری یکی از سخنرانان این نشست بود. اما ایشان بجای سخنرانی، کتابی را به جلسه آوردند و از اعضاء پتل خواستند هر یک صفحه‌ای از آن را

1) <http://www.madaraneemrooz.com/>

برای حاضران بخوانند. اثری با عنوان «بزرگترها اجازه دهید!» که به قلم خانم فرشته قبادی در سال ۹۲ منتشر شده است. این متن موجز در ۳۲ صفحه پیام شفاف و روشن خود را به مخاطب می‌رساند.

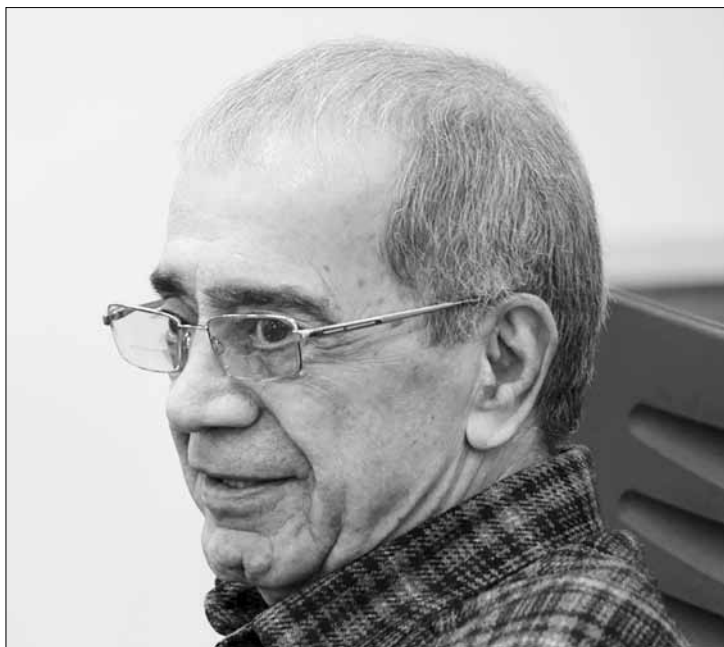
مخاطب کتاب والدینی هستند که کمتر فرصت می‌یابند دنیا را از منظر چشم کودکان ببینند. آنان فراموش می‌کنند بچه‌ها بیش از آنکه به حرف‌های ما گوش دهند، به رفتارمان نگاه می‌کنند. بنابراین، نویسنده می‌کوشد چگونگی هم‌زمانی و همدلی با کودکان را نشان دهد. در هر صفحه نکته‌ای سودمند از زبان کودکان می‌خوانیم: «اجازه دهید! من هم اگر ظرفی را شکستم به روی خود نیارم، بدون آنکه سرم داد بزنی یا گوشم را بیچی، درست مثل موقعی که شما ظرفی را می‌شکنی، به روی خود نمی‌آورید و پنهانی، بدون سر و صدا آن را در یک روزنامه می‌پیچید و در سطل می‌گذارید و روی آن را از زباله پر می‌کنید تا دیده نشود و شب سر ساعت می‌برید و تحویل آقای رُفتگر می‌دهید» (ص. ۲).

کتاب حاضر فرصتی است تا به یاد آوریم کودکان حق دارند نیازهای خود را بیان کنند و ما موظفیم حرفشان را بشنویم. الزام به چنین کاری زمانی معنا می‌یابد که حقوقشان را به رسمیت بشناسیم و به این باور برسیم که آنان به رغم تجربه اندک و جثه کوچکی که دارند از اندیشه‌ای پویا و روحی بزرگ برخوردارند. ارتباطشان با طبیعت به مراتب قوی‌تر و اصیل‌تر از بزرگترهاست. شخصیتی مستقل دارند و می‌توانند درباره آنچه اطرافشان می‌گذرد استدلال و اظهار نظر کنند. به قول متخصصان «فلسفه برای کودکان»، آنان فیلسوفان کوچکنند. بنابراین، تازمانی که نگرش ما به کودکان نگرشی مبتنی بر احترام متقابل و حقوق برابر نباشد؛ نمی‌توانیم به عنوان پدر و مادر یا معلم ارتباطی سازنده با آنان برقرار سازیم.

کتاب «بزرگترها اجازه دهید!» تمرینی برای برقراری همین ارتباط است. آینه‌ای است که بچه‌ها روبروی ما گرفته‌اند تا خود را در آن ببینیم و به فاصله‌ای که بین گفتار و رفتارمان وجود دارد فکر کنیم. ما به دلیل مشغله‌های زندگی ماشینی این تفاوت‌ها را نمی‌بینیم، اما کودکان که شاهد و ناظر رفتار ما هستند به خوبی همه چیز را رصد می‌کنند: «اجازه دهید! من هم پشت سر دوستم حرف بزدم، برایم از بدی این کار نگویند. درست مثل وقتی که شما پشت سر عمه‌جان یا دایی‌جان به راحتی حرف می‌زنید و کار خود را بد نمی‌دانید» (ص. ۱۴). متن کتاب با این جمله کلیدی به پایان می‌رسد: «اجازه دهید! من؛ همه آن چه از شما دیده و آموخته‌ام به یاد بیاورم نه آنچه شما فقط برای من می‌گویید».

۷. انتشار سه کتاب در یادبود دکتر عباس حرّی

هفتم اردیبهشت امسال سومین سالگرد درگذشت زنده‌یاد دکتر عباس حرّی بود. ایشان هم نظریه‌پرداز و پژوهشگری موفق در «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» بودند؛ هم سال‌ها در مقام استادی توانمند و دلسوز در جمع کتابداران این سرزمین محبوبیتی ویژه داشتند. در دو سال گذشته سه کتاب در یادبود استاد منتشر شده است. اثر نخست کتابی با عنوان



• دکتر عباس حرّی

«سرّ دلبران: مجموعه دل‌نوشت‌ها و دل‌گفت‌هایی در سوگ دکتر عباس حرّی» است. این اثر به کوشش خانم آناهیتا کرمانی، زیر نظر دکتر نرگس نشاط و به همت نشر کتابدار در اختیار مشتاقان قرار گرفته و شامل ۹۲ یادداشت است. استاد کامران فانی در بخشی از این کتاب می‌نویسد: «دکتر حرّی یکی از برجسته‌ترین کتابداران و کتابشناسان ایران بود. خبر تأسف‌آور درگذشت دکتر حرّی مرا شوکه کرد. ما همکاران خیلی قدیمی بودیم. دکتر حرّی، نویسنده، مترجم، استاد کتابداری و در واقع مردی فرهنگی بود... از شخصیت‌های برجسته علمی کشورمان بودند و آثار بسیاری در حوزه آیین نگارش، آیین تحقیق، و پژوهش و همچنین کتابداری و اطلاع‌رسانی داشت». (ص. ۲۰۱)

کتاب دوم با عنوان «در محضر استاد: گفتارهایی از دکتر عباس حرّی» شامل گزیده‌ای از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال‌های اخیر است. این اثر سرشار از نکته‌های ارزشمند و بیانگر نگاهی تحلیلی است. مثلاً، در تعریف مقام معلمی بر این باورند: «معلمی از نظر من باور به مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. تفاوت است میان معلمی و مدرسی. تدریس و یاددهی فنی است که می‌توان آموخت و فرا گرفت. اما معلمی یک باور است. تدریس جزئی از معلمی است، اما همه آن نیست. کسان بسیاری مدرس من بوده‌اند و درس‌هایی را از آنان فرا گرفته‌ام، اما معلمان اندکی را در زندگی تحصیلی‌ام می‌شناسم». (ص. ۳۱). بی‌تردید ایشان یکی از همین معلمان بودند که سهم موثری در پیشرفت تحصیلی دانشجویان داشته‌اند. یا درباره دشواری کار کتابداری معتقدند: «امروز کار کتابداری، بیرون کشیدن نیلوفر آبی از مرداب است. آنچه در

بیرون وجود دارد، مجموعه‌ای بسیار آشفته و آلوده است. کتابدار از دل این مجموعه باید گلها را بیرون بکشد و در اختیار بگذارد. بنابراین، وظیفه ترویجی کتابخانه و به تبع آن کتابدارها امروز به مراتب بیشتر و دشوارتر از زمانی است که اطلاعات بسیار اندک بود.

سومین اثر کتابیست با عنوان «یادنامه دکتر حرّی: مجموعه مقالات علم اطلاعات و دانش‌شناسی». این کتاب درباره زندگی و آثار استاد نیست. بلکه مجموعه‌ای از مقاله‌هاست که همکاران، شاگردان و سایر دوستداران ایشان درباره وجوه مختلف علم اطلاعات نوشته‌اند. آقایان دکتر نورالله مرادی، ابراهیم افشار و محمد خندان ویراستاران کتابند و انتشار آن کار مشترکی از «انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران» و کتابخانه ملی است. این کتاب پنج فصل دارد: فلسفه و نظریه، پژوهش، تاریخ، آموزش، مدیریت. در هر فصل نویسندگان به بیان دیدگاه و تجربه‌های خود در یکی از این موضوعات پرداخته‌اند، تا همزمان سهمی در تولید دانش تخصصی و گرامیداشت یاد و خاطره استاد پیشکسوت جامعه کتابداران ایران ایفا کنند. همانطور که ویراستاران اثر درباره این یادنامه نوشته‌اند: «در عالم علم، وجود فیزیکی فرع بر حضور فکری است، و مرحوم دکتر حرّی به واسطه افکار، آثار و دانشجویانش همچنان در بین ما حضور دارد. اما این حضور با تکریم یاد و خاطره او توسط همکاران و شاگردانش، جلا و جلوه‌ای دو چندان می‌یابد». روحش شاد و یادش همیشه گرامی باد.

۸. ابتکاری آکادمیک و سودمند

در یکی از روزهای اردیبهشت سال گذشته مهمان «دانشگاه هنر اسلامی تبریز»^(۱) بودم. دانشکده «معماری و شهرسازی» این دانشگاه نخستین نشست علمی دانشجویان دکتری خود را برگزار کرده بود. ساختار و فرایند کار ساده ولی در عین حال علمی و خلاقانه بود. به این ترتیب که ابتدا هر یک از دانشجویان ده دقیقه فرصت داشتند درباره موضوع پروپوزال (پیشنهاد تحقیق) خود صحبت کنند. سپس اعضاء پنل و سایر حاضران درباره نقاط قوت و ضعف تحقیق آنان اظهارنظر می‌کردند. من هم در پنل به عنوان مدرس روش تحقیق و از منظر «روش‌شناختی»^(۲) به موضوعات می‌پرداختم. مشابه این کار را در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه تسوکوبای ژاپن دیده بودم و در دانشگاه شفیلد نیز با ساختاری مشابه چنین نشستهایی برگزار می‌شد. دعوت از مهمانی خارج از یک رشته فرصتی برای گفتگوهای میان‌رشته‌ای فراهم می‌کند؛ و قرار بود آن روز من از منظر «پژوهش کیفی» و روش‌هایی همچون پدیدارشناسی^(۳)، نظریه زمینه‌ای^(۴)، قوم‌نگاری^(۵) و مطالعات تاریخی^(۶) به موضوعات مورد بحث بپردازم.

1) <http://www.tabriziau.ac.ir/>

2) Methodological View

3) Phenomenology

4) Grounded Theory

5) Ethnography

6) Historical Studies

سودمندی این نشست علمی در چند وجه قابل بحث است. نخست آنکه فرصتی برای تبلور «خرد جمعی» در محیط آکادمیک محسوب می‌شود. زیرا دانشجویانی که هنوز در ابتدای مراحل تحقیق خود هستند فرصت می‌یابند دیدگاه استادان و دوستانشان را درباره آن موضوع بدانند. در نتیجه می‌توانند از منظر نگاه دیگران به موضوع بنگرند و به ارزیابی امتیازها و کاستی‌های آن بپردازند.

دوم آنکه فرصتی برای گفتگوی علمی در فضایی صمیمی فراهم می‌شود. زیرا بر خلاف همایشهای رسمی، این نشستهای دانشجویی به دور از تشریفات برگزار می‌شوند. اضطراب آزمون و نمره هم مطرح نیست. سرانجام، بر خلاف جلسه دفاع که گزارشی از پایان یک پروژه است و فرصت چندانی برای تغییر در روش و چگونگی اجرای تحقیق وجود ندارد، دانشجویان در این مقطع هنوز در آغاز راهند و می‌توانند از تجربه‌های جمع حاضر بهره‌مند شوند.

علاوه بر این تمرینی برای دانشجویان است که بتوانند در ده دقیقه و در چند گزاره روشن موضوع تحقیق خود را بیان کنند. مهارتی که در آموزش دانشگاهی ما کمتر به آن توجه می‌شود. مهارتی که نیازمند تمرین است. زیرا رسیدن به این چند گزاره دقیق و روشن خود مستلزم ساعتها تفکر و تأمل است. در نتیجه گزاره‌های نهایی پشتوانه استدلالی قوی و محکمی خواهند داشت و همچون چراغ راهی برای دانشجو خواهند بود. به نظر من خلاصه‌سازی موضوع یک تحقیق مفصل در چند جمله تمرینی برای انسجام فکریست. در مجموع برگزاری چنین نشستهایی را در دانشگاه‌ها باید به فال نیک گرفت. زیرا روح علمی در ماهیت جمعی آن نهفته و «گفتگو» ستون اصلی تعامل در جامعه آکادمیک است.

۹. مهارت‌های مورد نیاز منتقدان

پیش از سفر به تبریز برای آنکه بیشتر با دانشجویان و استادان معماری هم‌زمان شوم، چند کتاب و مقاله درباره نقد در معماری خواندم. یکی از آنها «معماری و اندیشه نقادانه» بود. کتابی به قلم «وین اتو»^(۱) و ترجمه دکتر امینه انجم شعاع که به همت مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»^(۲) وابسته به فرهنگستان هنر منتشر شده است. در بخشی از کتاب نویسنده با استناد به آثار چهره‌های سرشناس نقد هنر و نقد ادبی، گزاره‌های دقیق و گاه طنزآلودی از معنا و مفهوم نقد گردآورده که آموزنده است.

مثلاً اینکه منتقد ادبی رمان‌نویس مایوسی است که از جوسازی و برانگیزاندن احساسات گوناگون در جامعه لذت می‌برد و این کار را به مدد نقد انجام می‌دهد. یا یک کارگردان شکست‌خورده تأثر است که به دانش تجربی خود در این زمینه می‌بالد و ارائه هر نمایش تازه در این عرصه را همچون نوعی مبارزه‌طلبی با خود می‌پندارد! البته گاه طنزها کمی

1) Wayne Attose

2) <http://matn.honar.ac.ir/>



• دانشگاه هنر اسلامی تبریز

تندتر شده و بوی طعنه و تحقیر به خود می‌گیرد. هر چند یافتن مصادیقی برای آنها هم کار دشواری نیست: «منتقد همان نویسنده متحجری است که پس از سی سال نگارش، تازه دریافته که روزگار او سپری شده و هر چیز جدید و تازه‌ای را به منزله توهین آشکار به نسل خود قلمداد می‌کند». (ص. ۴۳). در پس هر یک از این نظرهای طنزآلود واقعیتی نهفته است که نشان می‌دهد نقد درست و دقیق الزامات و شرایطی دارد که اگر به درستی رعایت نشود، به نتیجه‌ای سازنده و موثر منجر نخواهد شد. بنابراین، منتقدان باید از مهارت‌های مورد نیاز برای ارائه نقدی سازنده برخوردار باشند و به اصول اولیه و بنیادین آن احترام بگذارند.

هر چند نقد در حوزه‌ها و حرفه‌های مختلف شکل‌های متفاوتی دارد، اما مبانی «انتقاد سازنده» در اغلب زمینه‌ها از وجوهی مشترک برخوردار است. اساساً منتقد باید مطلع، منصف و نکته‌سنج باشد. بدون آگاهی از مبانی نظری و اصول عملی در یک زمینه موضوعی مشخص نمی‌توان منتقد خوبی بود. رعایت انصاف در نقد دومین مولفه مشترک است. نقدی که با سوگیری و غرض‌ورزی همراه است، اعتبار ندارد. سرانجام نکته‌سنجی مهارتی است که هر منتقد آگاه و منصف به آن نیازمند است. برای دستیابی به این نکته‌سنجی به «تفکر انتقادی»^(۱) نیاز داریم. تفکر انتقادی به معنای مهارت در ارزیابی همه‌جانبه یک اندیشه، پدیده یا رخداد است. آنهایی که از تفکر انتقادی برخوردارند می‌توانند موضوع مورد بررسی را از زاویه‌های گوناگون بنگرند و به ارزیابی جامعی از آن برسند. نکته بنیادین دیگر این است که منتقد باید

«اثر» را نقد کند نه «صاحب اثر» را. گاه مرز میان این دو روشن نیست و زمینه‌هایی برای سوء تفاهم ایجاد می‌کند. اما منتقد باید به این نکته به خوبی توجه کند و هر اثر را فارغ از آنکه پدیدآورش کیست ارزیابی کند. مثل درستی یا نادرستی یک گزاره که مستقل از گوینده آن است. بنابراین، منتقدان اندیشمند، منصف و نکته‌سنج با هدف بهبود اثر مورد ارزیابی به نقد آن می‌پردازند و در این ارزیابی از دخالت دادن عوامل غیرمرتبط پرهیز می‌کنند.

۱۰. همایش اروپایی کتابداری و ادبیات در شهر برایتون

دومین «همایش اروپایی کتابداری و ادبیات»^(۱) از سیزدهم تا شانزدهم جولای ۲۰۱۵ (۲۲ الی ۲۵ تیر ۱۳۹۴) در برایتون انگلستان برگزار شد. بر اساس آنچه در سایت همایش^(۲) آمده است، محور کانونی یا همان «تم اصلی» کنفرانس «قدرت: متن و بافت»^(۳) بود و بر وجوه بین‌رشته‌ای تاکید داشت. بخش عمده‌ای از محورهای همایش درباره ادبیات است و در بخشی که به کتابداری اختصاص یافته، موضوعات زیر قابل توجه‌اند: فهرست‌نویسی، رده‌بندی و مجموعه‌سازی^(۴)؛ سانسور، مالکیت و مالکیت فکری^(۵)؛ پژوهش در کتابخانه و توسعه؛ اصول، روشها، نظریه‌ها و استانداردها در کتابخانه‌های قرن بیست و یکم؛ مدیریت و طراحی کتابخانه‌های نوین؛ نقش کتابخانه‌ها در آموزش؛ ترویج سواد اطلاعاتی و توسعه فرهنگی؛ کتابخانه: مدیریت محتوا و مدیریت دانش^(۶)؛ معماری اطلاعات، منابع، خدمات و ترویج^(۷)؛ آرشیوها، موزه‌ها، مدیریت اسناد و حفاظت از منابع اطلاعاتی^(۸)؛ منابع الکترونیکی، رسانه‌های اجتماعی و کتابخانه‌ها؛ مسائل حقوقی و اجتماعی در کتابداری؛ آموزش‌های کتابخانه‌ای و مشاوره به کاربران^(۹)؛ نشر الکترونیکی و کتابسنجی^(۱۰)؛ محیط‌های مجازی و یادگیری مبتنی بر بازی^(۱۱) و سایر موارد.

طرح برخی از این موضوعات در همایشی با محوریت ادبیات و کتابداری ممکن است کمی دور از انتظار به نظر برسد. اما اگر کتابخانه را نهادی اجتماعی بدانیم که قرار است با تمام توان در خدمت توسعه فرهنگی و ارائه خدمات آموزشی باشد، آنگاه پیوند این مباحث با چنین همایشی آشکار خواهد شد. مثلاً کتابخانه‌های موفق دنیا امروزه می‌کوشند از آخرین

-
- 1) The Second European Conference on Literature & Librarianship
 - 2) <http://iafor.org/conferences/LibEuro2015>
 - 3) Conference Theme: "Power: Text and Context"
 - 4) Cataloging, Classification and Collection Development
 - 5) Censorship, Ownership and Intellectual Property
 - 6) Library, Content and Knowledge Management
 - 7) Information Architectures, Resources, Services and Promotion
 - 8) Archives, Museums, Record Management and Information Preservation
 - 9) Library Instruction and Reader Advisory
 - 10) Electronic Publishing and Bibliometrics
 - 11) Virtual Environments and Game-based Learning

فناوری‌ها و اصول آموزش همگانی بهره‌مند شوند تا بر کارآیی و گستردگی دامنه خدمات خود بیافزایند. در نتیجه همایش‌های کتابداری از یک سو به مباحث فناوری‌های نوظهور در عرصه آموزش و اطلاع‌رسانی توجه دارند و از سوی دیگر تحولات نظری و بنیادین حوزه آموزش را دنبال می‌کنند. بنابراین، مقالات ارائه شده در همایش‌های این رشته ترکیبی از وجوه مختلف موضوعات مورد اشاره است. تحولات روز حوزه‌های مختلف فرهنگی نیز بر مباحث کتابدارانه تاثیر می‌گذارد. مثلاً آنچه در «نشر الکترونیکی» و تولید کتابها و سایر آثار دیجیتال رخ می‌دهد فرایند گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات را در کتابخانه‌های دنیا متحول ساخته است. بر این اساس، همایشی که در برایتون برگزار شد، مثل سایر رخدادهای علمی این رشته متأثر از تحولات دنیای فناوری است. هر چند در کنار آن به مباحث فرهنگی و اجتماعی نیز توجه می‌شود.